

شهدای ماه

یادبود شهدای کارمند دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

شهید محمدعلی رضایی

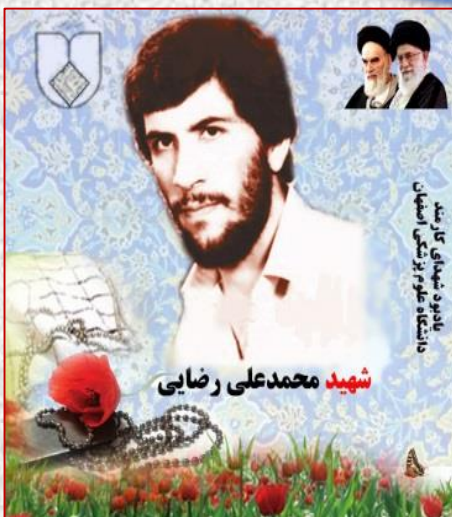
نام پدر: رضا

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱۲/۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۲/۶

محل شهادت: شلمچه

محل خدمت: مرکز بهداشت شماره یک اصفهان



فرازی از وصیتنامه

((بسم الله الرحمن الرحيم و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احيا عند ربهم يرزقون - آنان که در راه خدا کشته شدند مرده نپندارید بلکه زنده‌اند و نزد خدا روزی می‌خورند))
با یاد خدا و نام خدا و انشا الله برای رضای خدا وصیت‌نامه خود را آغاز می‌کنم و با درود به یگانه منجی عالم بشریت مهدی موعود و با سلام به نایب برحقش امام خمینی و به امید طولانی شدن عمر امام تا انقلاب مهدی و به امید پیروزی هر چه زودتر رزمندگان سخن خود را آغاز می‌کنم. در اول بگویم که من کوچکتر از آن هستم که بخواهم برای شما ملت شهیدپرور و همیشه در صحنه سخن بگویم ولی چند کلمه‌ای از باب تذکر برای شما می‌گویم. برادران دست از ولایت فقیه برندارید همیشه پیرو ولایت فقیه باشید اگر ولایت فقیه را تنها بگذارید اسلام را تنها گذاشته‌اید برادران به سخنان امام عزیزمان گوش فرا دهید و مبادا گول شیاطین را بخورید و خدای ناکرده امام را تنها بگذارید و اگر امام را تنها گذاشتید مثل این است که امام حسین(ع) را تنها گذاشته باشید و به ندای هل من ناصر ینصرنی امام لیبیک گویید سالها ما افسوس می‌خوردیم که ای کاش ما در روز عاشورا بودیم و در راه امام حسین (ع) شهید می‌شدیم حالا دوباره زمانه تکرار شده است اسلام دوباره رشد پیدا کرده است و حال اسلام به شما جوانان احتیاج دارد که باید با خونهای خودمان نهال اسلام را آبیاری کنیم جوانان مبادا بی تفاوت باشی مبادا که خدای ناکرده در بستر بمبیرم که مولایمان علی(ع) در محراب شهید شد. مبادا در بی تفاوتی بمبیریم که سرور آزادگان امام حسین (ع) در صحنه نبرد برای اسلام شهید شد مبادا در غفلت بمبیریم که علی اکبر در میدان جنگ شهید شد. این همه جوانی که شهید شدند پدر و مادر داشتند پدر و مادر آنها آنان را دوست می‌داشتند زندگی داشتند زن و فرزند داشتند دوست داشتند که آنها هم مثل ما در این دنیا زندگی کنند ولی چون علاقه به خدا و به خاطر اسلام بود از همه چیز خود گذشتند و رفتند آنان هدف خود را شناخته بودند و برادران هر شهیدی که می‌آورند مسئولیت ما سنگین تر می‌شود روز قیامت آنها جلوی ما را می‌گیرند و می‌گویند ما از جان خود گذشتیم تو از چه چیز خود گذشتی پس بیایید تا دیر نشده کاری کرده باشیم که روز قیامت بتوانیم جواب آنها را بدهیم من از شما می‌خواهم آنهايي که طبق گفته امام که می‌گویند جبهه رفتن از اهم واجبات است به جبهه‌ها بیایید و آنهايي که نمی‌توانند پشت جبهه را محکم نگهدارند که انشا الله به زودی اسلام پیروز خواهد شد و در آخر از پدر و مادرم می‌خواهم که مرا حلال کنند چون که من نتوانستم آن دین فرزندی که بر گردن من داشتید را ادا کنم. اگر من شهید شدم از تمام دوستان و آشنایان و خویشاوندان برای من طلب مغفرت و آمرزش کنید و دعا به جان امام عزیزمان را فراموش نکنید و چند کلمه وصیتی دیگر با پدر و مادر عزیزم اول از هر چیز که مرا باید حلال کنید و هیچ ناراحت من نباشید چون که من یک امانت بودم از طرف خدا پیش شما و مبادا در مرگ من گریه و زاری کنید چون که هدیه‌ای که در راه خدا داده‌اید گریه و زاری ندارد و مادرم از خداوند متعال می‌خواهم که صبر زینب گونه به شما عطا کند چون که اگر دشمن گریه شما را ببیند خوشحال می‌شود و خواهرانم از قول من به دیگر خواهران بگویند که حجاب خود را حفظ نمایند چون که حجاب زن سنگر زن است و از فاطمه این گونه خطاب است ارزنده‌ترین زینت زن حفظ حجاب است.